

برسم الله الرحمن الرحيم

رابطه زن و مرد با عقد نکاح تعریف می‌شود و زباله‌های تمدن غرب دیگر قابلیت عرضه در بازار را ندارد!

(ترجمه)

امل هبانی روزنامه نگار، پستی در حساب فیسبوک خود نوشت و در آن گفت: «زنان مسکین، فقیر و ذلیلی که تحت فشار قرار گرفته و از ترس بخاطر مسئولیت فرزندان و افزایش ظلم شوهران‌شان توانایی طلاق را ندارند و خانم‌ها سعی کنید، روزی که شوهر تان به سراغ همسر جدید خود می‌رود، از یک دوست استفاده کنید.» این کار موجی از خشم را علیه او برانگیخت و افزود: «چون راه‌حل علیه مفکوره چند همسری تنها با کمک گرفتن از یک دوست درمان می‌شود.»

ما این سخنان ناقص و بی‌اساس را رد می‌کنیم؛ اما مبارزه با باطل تنها از بین بردن آن بهترین روش می‌باشد. «امل هبانی» به انحرافات فکری‌اش پافشاری دارد و دین را متهم می‌کند که عامل رنج و ستم زنان است. او در یک ویدیو ظاهر شد و از فکر شیطانی خود دفاع نمود و گفت: «دین علیه زنان تبعیض قائل شده و حقوق جنسی آن‌ها را در نظر نگرفته است. چرا به مرد حق تعدد زوجات داده می‌شود و به زن چنین حقی داده نمی‌شود؟» و گفت: خطوط سرخ و ممنوعه که در زندگی جامعه وجود دارد، به معنای پیوندهای مشروع بین زن و مرد است و فعالان از داشتن این حقوق منع شده‌اند و لازم است که تغییرات در مفاهیم اجتماعی و متون دینی که به زنان ظلم می‌کند، ایجاد کنیم و امثال امل هبانی که متأثر از غرب شده اند تلاش و کوشش به تغییر قوانین دارند و به دنبال راه حل و قوانین سکولار غربی هستند.

ما حق قانونی داریم که در یک مبارزه فکری و عالی از «امل هبانی» پرسیان کنیم که آیا تغییر قوانین به سکولاریزم و لغو قوانین اجتماعی اسلام وضع و شرایط زنان در سودان را بهبود می‌بخشد؟ و آیا این تغییر از طریق زنا و عصیان در برابر احکام اسلام و تقلید از غرب وضع را خوب می‌سازد؟ در حالی که ما بزرگترین چیز را که به عنوان مسلمان از عقاید و احکام شرعی داریم و توسط این‌ها تحقیر می‌شویم و آیا از این طریق ما به عدالت برای زنان دست می‌یابیم و آن‌ها را از آزار و اذیت نجات می‌دهیم؟

حقیقت روشن‌تر از خورشید این است که ثروت سودان توسط سرمایه‌گذاری‌های غربی و سیاست غرب غارت می‌شود که منجر به سکولار شدن جوامع شده و دلیل اصلی فقیر شدن مردم سودان است و زندگی‌شان طوری می‌شود که از دین‌شان بیگانه می‌شود دین که از هر امری پاک است و کنار گذاشتن احکام پاک و با تحریف آن‌ها طوری وانمود می‌کنند که قادر به انجام اداره امور دنیایی خود مطابق به احکام شریعت نیستند؛ پس سیطره سکولاریسم که زنان را دعوت به فساد و فحشاء می‌کند، راه‌حل می‌دانند.

این سکولارها فقط ابزار برای غرب استعمارگر هستند و آن‌ها بخشی از جنگ شدید علیه اسلام و مسلمانان می‌باشند و به منافع یک‌زن و مرد اهمیتی نمی‌دهند و تنها اندیشه‌شان ضربه زدن به اسلام برای تعطیل کردن احکام آن و حلال نمودن قوانین غرب سرمایه‌داری است که در خدمت برنامه‌های اربابان سرمایه‌دار غربی‌شان قرار دارد که کنترل سرزمین‌های اسلامی را دارند و با

گسترش فرهنگ آزادی و آنچه بنام حقوق بشر است ثروت آن‌ها را غارت کردند تا زندگی پلید غرب را بر زنان مسلمان تحمیل کنند

کشورهای غربی که حقوق زنان را ساخته و کمپاین‌های مشکوک را بخاطر زنان و حقوق غصب شده آن‌ها آغاز می‌کنند و قسمی که آن‌ها ادعا دارند هدف‌شان استفاده از زنان به عنوان ابزاری برای شر و فساد جامعه است تا این که برنامه‌های‌شان حاکم شود و در میان نجاست‌های اخلاقی رشد و نمو کند.

با نگاهی گذرا به واقعیت زنان در کشورهای غربی تصویر از میزان نقض حقوق زنان در غرب را نشان می‌دهد که آن‌ها را به بردگی کشانده و هوس‌های شهوانی مردان را به کنترل خودش آزاد گذاشته و این آمار توسط ادارات رسمی نشان داده شده است و در آمار منتشر شده در انترنت این اعداد واقعیتی را نشان می‌دهد که زنان در غرب زندگی می‌کنند و همراه با بحران‌های اقتصادی و وخیم‌تر شدن شرایط جهانی این رنج به طور تصاعدی افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که تمدن غربی زنان را از انسانیت محروم کرده و عفت و عزت آن‌ها را از بین برده و زن را به ماشین سودآوری تبدیل کرده و خانواده‌ها را منهدم نموده و روابط جنسی را اساس روابط با زنان قرار داده است. و زمانی که نیروی جوانی زن از بین رفت به عنوان ماشین زنگ زده باقی می‌ماند! آیا «امل هبانی» برای زنان سودان چنین حالتی را می‌خواهد؟

و به سکولاران فرسوده می‌گویم مسلمانان کسانی‌اند که به اسلام باور، و ایمان به عقیده و احکام خود دارند و نیاز به تغییر ندارند که عفت و پاکی زنان را سلب کند و غیر منطقی است که در شعارهای فجور و بی‌اخلاقی تغییر ایجاد کند. به عبارت دیگر ما به عنوان مسلمان از احکام شرعی خود که دیدگاه روابط بین زن و مرد را بقاء نسل انسان می‌داند نه جنبه جنسی؛ اما «امل هبانی» آن را اساس عدالت بین زنان و مردان قرار داده است. بلی، گزینه جنسی نیاز به اشباع دارد؛ اما نه این که آزاد گذاشتن اشباع هدف باشد. به همین دلیل اسلام وجود افکار جنسی را در بین جامعه به ضرر جامعه می‌داند و اسلام موجودیت واقعیت‌های مادی را که موجب تحریک جنسی می‌شود آن‌را موضوعی می‌داند که منجر به فساد می‌شود. بنابراین نهی شده از خلوت بین زن و مرد و هم‌چنان از تبرج و زینت و هردو زن و مرد از نگاه جنسی به دیگری ممنوع هستند و همکاری بین زن و مرد در زندگی عامه با احکامی تعریف شده است که پاکی و عفت‌شان را حفظ می‌کند و روابط نامشروع را محدود و در دو مورد که ازدواج و ملک یمین باشد تنظیم نموده است. پس اسلام برای جلوگیری از گزینه جنسی آن‌چه باعث تحریک آن در زندگی عمومی می‌شود تلاش می‌کند و محدود کردن آن در موارد خاص توسط شریعت بخاطر حفظ بقاء است. هم‌چنان رابطه زن با مرد رابطه‌ی می‌باشد که شریعت وضع نموده است و جای برای افکار پوسیده تمدن غربی نیست که به خاطر آن بازاریابی کنند.

این نقشه‌ها توسط غرب و وابستگان آن از دختران و پسران مسلمان تحصیل کرده و تثقیف شده دشمن آشکار و واضح می‌شود و هدف‌شان ترویج تمدن غربی بین مسلمانان است تا که جامعه را تجزیه و خانواده‌ها را از بین ببرد و نسل‌شان بیگانه از دین بمیرند؛ اما با آگاهی از احکام شریعت و با کار کردن دعوت‌گران برای تحکیم شریعت الله و تأسیس دولت در جامعه به مسلمانان و این نقشه‌ها تاثیر گذاشته است و به زودی توسط دولت اسلامی یعنی خلافت بر منهج نبوت تلاش غرب و نقشه‌های آن به کمک و نصرت الله سبحانه و تعالی نابود خواهد شد. **إِن شَاءَ اللَّهُ!**

نويسنده: استاد غادة عبد الجبار (أم أواب) - ولاية السودان

مترجم: پارسا اميدى